

بررسی علل ریزش و کاهش داوطلبان جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری و ارائه راهکار مناسب جهت ماندگاری اعضا

فرزادشهرانی^۱، محمد فروغی^۲، سیداحمد مرتضوی^۳،
غلامرضا اسدیان^۴

۱- نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد روانشناسی کودکان استثنایی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، ایران

E-mail: shahrani@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ایران

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میمه، اصفهان، ایران

۴- کارشناس علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات، دانشگاه اصفهان، ایران

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۵

چکیده

مقدمه: هدف از این مطالعه، بررسی علل ترک همکاری داوطلبان جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری و ارائه راهکار مناسب جهت ماندگاری اعضا و داوطلبان بوده است.

روش‌ها: این مطالعه با روش مقطعی در سال ۱۳۹۰-۱۳۸۹ و به صورت نمونه‌گیری تصادفی بر روی ۳۵۰ نفر از داوطلبان جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری انجام شد. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه ۲۱ سئوالی محقق ساخته جمع‌آوری شد و با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی (خی دو) مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: داوطلبان رسته مشارکت از بیشترین شناخت و رسته حمایت از کمترین شناخت نسبت به فعالیت‌های جمعیت برخوردار بودند، بیشتر اعضا از طریق مراجعه حضوری به جمعیت عضو

شدند. اکثریت داوطلبان و اعضا، ضعف اصلی واحد داوطلبان را جذب اعضای جدید و ناکافی بودن اطلاع‌رسانی و تبلیغات دانسته‌اند. داوطلبان در درجه اول نداشتن برنامه و سازماندهی مناسب و در درجه دوم یک طرفه بودن فعالیت‌های واحد داوطلبان و نداشتن هیچ منفعتی برای داوطلب را علت اصلی کاهش داوطلبان عنوان کردند. داوطلبان با پرداخت حق عضویت به صورت افتتاح حساب همیاران هلال احمر موافق بودند. جذب اعضای جدید از طریق فراخوان‌های عمومی و حضور مسئولین امور داوطلبان در ادارات و سازمان‌های دولتی، از بیشترین درصد موافقت داوطلبان برخوردار بود. به منظور آشنایی بیشتر مردم با فعالیت‌های مختلف سازمان، اکثریت اعضا تهیه و تدوین برنامه‌های مشترک با صدا و سیما را انتخاب نمودند. اکثریت اعضا، گروه‌بندی داوطلبان در رسته‌های چهارگانه براساس نوع مدرک تحصیلی را برگزیدند، تمایل به برگزاری دوره‌های تخصصی از دیدگاه ایشان بیشتر می‌باشد، ضعف گروه‌های چهارگانه را در آشنانیدن سرگروه‌ها و رؤسای گروه‌های چهارگانه با دستورالعمل‌های مربوط به واحد داوطلبان دانسته‌اند. داوطلبان شرکت کردن در امر اهدای خون، جمع‌آوری اعانات از طریق صندوق‌های جمع‌آوری کمک‌های مردمی، راه‌اندازی پایگاه‌های داوطلبی را کاری خوب دانستند، داوطلبان معتقدند که در صورت بروز حوادث غیرمترقبه باید در محل حادثه حاضر شوند و در بحث امدادرسانی یاریگر جمعیت باشند داوطلبان اجرای طرح همای رحمت، فرشتگان رحمت پروژه‌های داوطلبی را نیز بسیار خوب ارزیابی کردند.

همچنین یافته‌ها نشان داد:

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است که تحت هر شرایطی مایل است با دیگران تشریک مساعی نماید، خدمت کند و مورد محبت قرار گیرد. دگردوستی و تخلق و فهم آداب اخلاقی موهبتی است که انسان را از قید خودپسندی و خودخواهی رهانیده و موجب پرورش حس وظیفه شناسی، خیرخواهی، نیکوکاری و دیگر خصایص انسانی در شخص می‌شود (۱). از دیرباز مشارکت یکی از اساسی‌ترین انواع روابط اجتماعی بوده است مشارکت اجتماعی فرآیندی است که از طریق آن اجتماع، جماعت یا گروه‌ها به هم می‌پیوندند تا عملکرد مورد نیاز یا انتظار را به اجرا درآورند. در واقع مشارکت، فرآیندی است که از طریق آن برای زندگی گروهی آماده می‌شوند، طریقه زندگی است نوعی روش زیستی که جوانب اجتماعی، فرهنگی و روانشناختی دارد. (۲)

سازمان‌های رسمی به علت گستردگی حوادث و مشکلات جوامع، بدون استفاده از نیروهای داوطلب، از عهده انجام مطلوب وظایف خود بر نمی‌آیند. علاوه بر این، انجام امور به وسیله داوطلبان، هزینه‌ها را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد. زیرا استفاده از نیروهای رسمی مزدبگیر باعث افزایش هزینه‌ها می‌شود. از طرفی داوطلبان انگیزه قوی‌تری برای این کارها دارند. نیاز به داوطلبان در کشورهای در حال توسعه محسوس‌تر است و خدمت داوطلبانه در این کشورها اهمیت به‌سزایی دارد زیرا سازمان‌ها و مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات اجتماعی بدون داوطلبان تربیت شده فقط قادر به انجام دادن حداقل برنامه‌های خود هستند ولی با کمک داوطلبان می‌توانند برنامه‌های خود را از نظر کمی و کیفی گسترش دهند و به عده بیشتری از مردم خدمت کنند. از دهه ۱۹۷۰ به بعد مشارکت به عنوان یک مفهوم کلیدی در ادبیات وارد شده است. (۳)

مشارکت از نظر لغوی به معنای «با هم شریک شدن

* بین جنسیت، شغل و عضویت در جمعیت هلال احمر رابطه معناداری مشاهده شد ($p=0/05$)
خی دو = $0/000$)

* بین جنسیت و دلیل عضویت داوطلبان در جمعیت رابطه معناداری مشاهده نشد ($p=0/05$)
خی دو = $0/65$)

* بین نوع عضویت (عضو/ داوطلب) و میزان آشنایی با فعالیت‌های جمعیت رابطه معناداری مشاهده شد. ($p=0/05$)
خی دو = $0/007$)

* بین جنسیت و نحوه عضویت در جمعیت هلال احمر رابطه معناداری مشاهده نشد. ($p=0/05$)
خی دو = $0/61$)

* بین رسته‌های عضویت و میزان آشنایی با فعالیت‌های سازمان رابطه معناداری مشاهده شد.
 $p=0/05$ خی دو = $0/002$)

نتیجه‌گیری: ضعف اصلی حوزه داوطلبان در جذب و نگهداری اعضای قدیمی و جدید در موارد زیر خلاصه می‌شود:

* ناکافی بودن اطلاع‌رسانی و تبلیغات
* نبود برنامه و سازماندهی مناسب جهت بهره‌گیری از توانایی داوطلبان

* اجرای برنامه‌های یک‌طرفه به سود جمعیت و نداشتن هیچ منفعتی برای داوطلبان

* آشنایی اندک سرگروه‌های رسته‌های چهارگانه با دستورالعمل‌ها و وظایف داوطلبان

* پرداخت مبلغ بالای حق عضویت بدون توجه
* تقسیم‌بندی غیرکارشناسی داوطلبان در رسته‌های چهارگانه

* عدم برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی برای داوطلبان

کلمات کلیدی: داوطلب، عضو، ریزش، کاهش

در انجام کار یا شرکت کردن با هم» است و در اصطلاح، مداخله افراد در فرایند تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی برنامه‌ها یا فعالیت‌های مختلف تعریف شده است. (۴) مشارکت در اغلب متون، بطور عمده به معنای شرکت دادن مردم با یکدیگر در انجام کاری و شریک شدن در منافع کار آمده است. (۵) مشارکت مردم با سازمان‌های غیردولتی یکی از کلیدی‌ترین عوامل دستیابی به فرایند تساوی فرصت‌هاست. انگیزه‌های قوی، بسیاری از مردم را به سوی انجام کار خیر و نیکو می‌کشاند. سازمان‌های غیردولتی بر اساس نیاز جامعه از دیرباز در ایران پا گرفته‌اند. رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی در دو دهه اخیر نشان می‌دهد دولت واگذاری امور را به مردم تقویت و حمایت می‌نماید. در حال حاضر مشارکت مردم با سازمان‌های غیردولتی در قلمرو محدودی قابل توجه است. (۶) از آنجایی که یکی از ارکان تحقق رسالت‌های سازمان داوطلبان جمعیت هلال‌احمر جذب نیروی انسانی داوطلب کارآمد و مؤثر بوده و این نیروی انسانی داوطلب یکی از ایفاکنندگان نقش‌های اصلی و بنیادین جمعیت هلال‌احمر به شمار می‌رود. بنابراین لازم است تدابیری اندیشید تا این مهم به نحو مطلوبی تحقق یابد. با توجه به اینکه هر ساله سازمان داوطلبان طی مناسبت‌های مختلف و از طریق فراخوان‌های متعدد و انعقاد تفاهم‌نامه‌های درون سازمانی و برون سازمانی اقدام به جذب اعضای و داوطلبان جدید می‌نماید ولی متأسفانه هر سال ما شاهد افت تعداد داوطلبان عضو جمعیت و قطع همکاری آنها با جمعیت می‌باشیم حال آنکه سازمان در جهت جذب اعضای جدید هزینه‌های زیادی متحمل می‌شود و برنامه‌ریزی‌های زیادی برای همکاری با این اعضا در نظر می‌گیرد ولی همراهی نکردن یا همراهی کم این داوطلبان امکان انجام فعالیت‌های مناسب را از جمعیت سلب

می‌نماید. با توجه به تمام مشکلات فوق، این تحقیق به منظور بررسی علل قطع همکاری داوطلبان و ارائه راهکار مناسب جهت حفظ و ماندگاری آنان انجام شده است.

روش‌ها

روش تحقیق از نوع زمینه‌یابی بوده زیرا محقق، قصد شناسایی و درک جامعی از یک واحد از جامعه را هدف خود قرار داده است. در این پژوهش، بطور عمیق به بررسی واکنش‌ها و عوامل به‌وجودآورنده تغییر در مورد زمینه مورد نظر پرداخته شده است (۷). و به طور ویژه داوطلبان جمعیت هلال‌احمر را به عنوان یک واحد از جامعه مورد بررسی قرار داده و اطلاعات مورد نیاز خود را صرفاً از این گروه از افراد بدست آورده است. جامعه آماری در این تحقیق شامل کلیه داوطلبان جمعیت هلال‌احمر استان چهارمحال و بختیاری می‌باشد. روش انتخاب نمونه مورد نیاز با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی بوده است. در نمونه‌گیری تصادفی ساده، شانس گزینش همه واحدها و افراد در مراحل نمونه‌برداری ثابت است و همه افراد از شانس یکسانی جهت انتخاب شدن برخوردار هستند. (۸) نمونه مورد نیاز با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی و با استفاده از فرمول آماری کوکران و براساس تعداد داوطلبان موجود در هر شعبه به تعداد ۳۵۰ نفر انتخاب شدند. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری شد. با توجه به اینکه پرسشنامه استاندارد برای اجرای طرح فوق وجود نداشت پرسشنامه محقق ساخته با ۲۱ سؤال در مورد اطلاعات حوزه داوطلبان و ۵ سؤال در رابطه با متغیرهای مربوط به اطلاعات شخصی آزمودنی‌ها تهیه شد. ۵ سؤال مربوط به اطلاعات شخصی داوطلبان «نام و نام خانوادگی، تاریخ عضویت، نوع عضویت، رسته عضویت، شغل» بود و در ۲۱ سؤال مربوط به پرسشنامه به بررسی تمامی آن چیزی که

درصد اجبار و ۳/۴ درصد نیز تبلیغات ارائه شده را علت اصلی عضویت خود در جمعیت عنوان کردند. از نظر میزان آشنایی داوطلبان با فعالیت‌های جمعیت قبل از عضویت ۴۲/۵ درصد گزینه متوسط، ۲۵/۹ درصد گزینه خیلی کم، ۲۶/۹ درصد گزینه زیاد و فقط ۴/۷ درصد گزینه خیلی زیاد را انتخاب نمودند. در خصوص میزان آشنایی داوطلبان با فعالیت‌های جمعیت بعد از عضویت، ۳۱/۶ درصد از طریق مراجعه حضوری، ۱۹/۱ درصد از طریق مجلات و بروشورها و ۲۸/۸ درصد از طریق همایش‌ها و سمینارها توانسته‌اند از فعالیت‌های جمعیت آگاهی کسب نمایند و ۲۰/۶ درصد نیز اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند.

در مورد ضعف عمده واحد داوطلبان از منظر ایشان، ۵۲/۱۸ درصد از داوطلبان ناکافی بودن اطلاع‌رسانی و تبلیغات، ۱۴/۱ درصد مقطعی بودن عضوگیری ۸/۸ درصد حضور نداشتن مسئولین حوزه جهت عضوگیری و ۲۴/۷ درصد نیز آشنا نبودن مردم با فعالیت‌های جمعیت را به عنوان نقطه ضعف واحد داوطلبان در عضوگیری انتخاب نمودند و تنها ۰/۳ درصد نیز عدم وجود مشکل در این قسمت را انتخاب نمودند.

مهم‌ترین علت ریزش و کاهش داوطلبان از دیدگاه آنها، ۴۶/۳ درصد نداشتن برنامه و سازماندهی مناسب جهت بهره‌گیری از توان داوطلبان و ۲۲/۵ درصد نیز یک طرفه بودن فعالیت‌های این واحد و نداشتن منفعت برای داوطلبان را انتخاب نموده و ۳۱/۸ درصد نیز سایر گزینه‌ها مثل تمایل نداشتن داوطلبان جهت حضور در برنامه‌ها، ارج نهادن به تلاش‌های داوطلبان، عدم برنامه‌ریزی مناسب جهت صدور کارت شناسایی، نحوه برخورد پرسنل حوزه، عدم تمایل داوطلبان به ادامه همکاری را انتخاب نموده‌اند. در مورد چگونگی پرداخت حق عضویت ۳۹/۴ درصد از داوطلبان افتتاح حساب

جزء فعالیت‌ها و رسالت‌های واحد داوطلبان جمعیت هلال احمر پرداخته شد. تمامی تلاش بر این بود که بتوان در مورد جزء جزء برنامه‌ها و فعالیت‌های واحد داوطلبان و حتی خصوصیات پرسنلی این واحد نیز اطلاعات موردنیاز را از داوطلبان بدست آورد. پس از تهیه سئوال‌ات پرسشنامه با همفکری و هم‌رایی مسولان و صاحب‌نظران جمعیت هلال احمر و بخصوص مسئولین حوزه داوطلبان روایی صوری و محتوایی سئوال‌ات تایید شد و سئوال‌اتی که به نوعی با زمینه تحقیق ارتباط نداشتند از سئوال‌ات پرسشنامه حذف شدند و به منظور هنجاریابی سئوال‌ات پرسشنامه و بررسی میزان اعتبار و پایایی آن از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب پایایی بدست آمده بود که می‌توان گفت سئوال‌ات آزمون از ضریب پایایی قابل قبولی برخوردار بود. اطلاعات و داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از داده‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد، فراوانی تجمعی) و آمار استنباطی (خی‌دو) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش همکاری یا قطع همکاری داوطلبان به عنوان متغیر وابسته و برنامه‌ریزی و تعامل واحد داوطلبان به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

نتایج بدست آمده از تحقیق در دو قسمت آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که نتایج آن از این قرار است: در مورد نحوه عضویت، ۴۸/۱ درصد داوطلبان مراجعه حضوری، ۹/۷ درصد دعوت چهره به چهره، ۲۲/۵ درصد فراخوان‌های عمومی و ۱۹/۴ درصد فرم‌های ارسالی از جمعیت را انتخاب نمودند.

۷۵/۹ درصد از داوطلبان علاقمندی به فعالیت‌های داوطلبانه، ۱۶/۶ درصد داشتن کارت عضویت، ۳/۸

همیاران هلال احمر و ۴۱/۳ درصد نیز عدم توجیه دریافت حق عضویت را انتخاب نموده‌اند و تنها ۲۳/۴ درصد داوطلبان و سایر گزینه‌ها (توجیه ندارد، به هردو شکل پرداخت شود، زیاد است) را انتخاب نمودند. درخصوص چگونگی جذب اعضای جدید ۳۸/۹ درصد داوطلبان فراخوان‌های عمومی و ۳۰/۹ درصد نیز حضور مسئولین امور داوطلبان در ادارات و سازمان‌های دولتی و ۲۱/۳ درصد نیز از طریق پایگاه‌های اطلاع‌رسانی جمعیت را به عنوان شیوه‌های بهتر عضوگیری انتخاب نموده و ۵/۶ درصد نیز برپایی چادر و ۱/۶ درصد نیز عضوگیری به صورت حضوری و چهره به چهره را انتخاب نمودند. به منظور آشنایی بیشتر داوطلبان با برنامه‌های جمعیت ۵۷/۵ درصد داوطلبان تهیه برنامه مشترک با صدا و سیما و ۱۵ درصد برگزاری همایش‌ها و سمینارها و ۱۳/۸ درصد بروشورهای تبلیغاتی و ۱۰ درصد نصب پلاکارد و بنر و ۳/۸ درصد نیز دعوت حضوری را انتخاب نمودند.

۷۶/۳ درصد از داوطلبان دوره‌های آموزشی را بسیار لازم و ضروری دانسته‌اند و تنها ۵/۳ درصد از داوطلبان گفته‌اند این دوره‌ها ضرورتی ندارد همچنین ۱۸/۱ درصد از آزمودنی‌ها گفته‌اند که دوره‌ها به صورت خاص و تخصصی برگزار شود. در مورد چگونگی تقسیم‌بندی افراد در گروه‌های چهارگانه ۵۱/۹ درصد داوطلبان تقسیم‌بندی افراد را بر اساس مدرک تحصیلی ۲۴/۴ درصد نیز بهره‌گیری از داوطلبان در چند گروه و ۵/۳ درصد بر اساس علائق و انتخاب فرد و ۱۸/۱ درصد نیز بر اساس نیاز سازمان را انتخاب کردند. ۵۹/۱ درصد از داوطلبان فعالیت تمام رسته‌های چهارگانه را با خدمات جمعیت هلال احمر مرتبط دانسته‌اند و اعتقاد به این موضوع دارند که تمام چهار حوزه مهارت، مشارکت، هدایت، حمایت با جمعیت منطبق است عمده‌ترین مشکل گروه‌های چهارگانه

۱۵ درصد داوطلبان انتخاب عجولانه و کارشناسی نشده سرگروه‌ها ۱۹/۷ درصد از داوطلبان فعال نبودن خانه داوطلب و ۳۴/۱ درصد نیز آشنا نبودن سرگروه‌ها با دستورالعمل‌های مربوطه و ۲۳/۸ درصد نداشتن ارتباط مستمر با سرگروه‌ها و اعضا با جمعیت رابه عنوان مشکل اساسی عنوان نمودند و تنها ۷/۵ درصد نیز گفته‌اند مشکل خاصی در این زمینه وجود ندارد. ۶۱/۲۵ درصد، شرکت داوطلبان در امر اهدای خون و تبدیل وضعیت آنان از داوطلب عادی به فعال را خوب و ۲۸/۷۵ درصد نیز کم اثر دانسته و ۱۰ درصد نیز معتقدند که تعداد دفعات اهدای خون بیشتر شود بهتر است. ۵۵/۹ درصد حضور داوطلبان در تمامی فعالیت‌های امدادی را لازم دانسته و ۳۶/۹ درصد از داوطلبان نیز گفته‌اند در صورتی که جمعیت حضور آنان را لازم بداند باید در فعالیت‌های امدادی شرکت کنند و تنها ۲/۲ درصد گفته‌اند که نیازی به حضور داوطلبان در برنامه‌های امدادی نیست و همچنین ۵ درصد نیز صرفاً حضور داوطلبان در بخش حمایتی و مشارکتی را لازم دانسته‌اند. در مورد صندوق‌های جمع‌آوری کمک‌های مردمی ۵۴/۱ درصد آزمودنی‌ها نصب صندوق‌ها را کار خوبی دانسته‌اند ۷/۵ درصد معتقدند باید صندوق‌ها جمع‌آوری شوند ۳۱/۹ درصد معتقدند که تحویل صندوق‌ها به افراد خیر بهتر است و ۱/۹ درصد نیز محل نصب صندوق‌ها را نامناسب دانسته و ۴/۷ درصد نیز معتقدند که تمایل مردم به پرداخت اعانات به سایر سازمان‌های حمایتی بیشتر است. در مورد پایگاه‌های داوطلبی طبق اطلاعات بدست آمده ۵۷/۵ درصد از داوطلبان راه‌اندازی پایگاه‌های مساجد را خوب و ۸/۴ درصد گفته‌اند که این پایگاه‌ها جوابگو نمی‌باشد و ۱۵ درصد نیز گفته‌اند وجود پایگاه‌ها ضرورتی ندارد. در صورت فراخوان عمومی واحد داوطلبان ۷۰/۶ درصد داوطلبان تمایل به حضور یافتن در محل

* بین رسته‌های عضویت و میزان آشنایی با فعالیت‌های سازمان رابطه معناداری مشاهده شد ($p=0/05$ < خی دو = 0/002)

بیشتر داوطلبان از طریق مراجعه حضوری و تکمیل فرم‌های مربوطه، به عضویت جمعیت درآمده‌اند و با توجه به اینکه از اهداف اصلی جمعیت پذیرش و عضویت داوطلبان توانمند و با انگیزه‌ای است که بتوانند در چارچوب اهداف و وظایف جمعیت تلاش نمایند به نظر می‌رسد در دعوت کردن حضوری و چهره به چهره افراد، جمعیت ضعیف عمل نموده است و نتوانسته اعضای زیادی را از این طریق جذب نماید. بهره‌گیری از توان داوطلبان علاقمند به اجرای فعالیت‌ها و برنامه‌ها از رسالت‌های اساسی جمعیت هلال احمر می‌باشد که به نظر می‌رسد توانسته در آن موفق عمل کند و بسیاری از داوطلبان بر اساس میزان علاقمندی خود به فعالیت‌های داوطلبانه جمعیت به عضویت واحد داوطلبان درآمده‌اند و تعداد افرادی که صرفاً به خاطر اجبار و یا داشتن کارت شناسایی، عضو واحد داوطلبان جمعیت استان شده‌اند کم می‌باشد. از طرف دیگر به نظر می‌رسد که جمعیت در ارائه تبلیغات لازم برای جذب داوطلبان و تشریح فعالیت‌ها ضعیف عمل نموده چرا که تنها ۱۱ نفر بر اساس میزان تبلیغات ارائه شده توسط جمعیت به عضویت جمعیت درآمده‌اند و این نیازمند برنامه‌ریزی بهتر و بیشتر می‌باشد تا در خصوص بحث تبلیغات و اطلاع‌رسانی برنامه‌ریزی مدون و منسجمی را انجام دهند.

با عنایت به اینکه آشنایی کامل از فعالیت‌های جمعیت زمینه‌ساز اجرای فعالیت‌های داوطلبانه می‌باشد. به نظر می‌رسد که جمعیت در این مورد ضعیف عمل نموده است چرا که فقط ۱۵ نفر یعنی ۴/۷ درصد از داوطلبان از آشنایی خوب و زیادی نسبت به فعالیت‌های جمعیت هلال احمر برخوردار

حادثه را دارند و ۸/۴ درصد پرداخت کمک‌های نقدی و ۹/۴ درصد نیز پرداخت کمک‌های غیرنقدی و تنها ۱۱/۶ درصد نیز عدم تمایل به همکاری در این خصوص را انتخاب نموده‌اند. ۵۶/۲ درصد از داوطلبان اجرای طرح همای رحمت را خوب دانسته و تنها ۴/۷ درصد نیز گفته‌اند که طرح خوبی نیست علاوه بر آن ۲۲/۵ درصد نیز گفته‌اند که این طرح در یک زمان خاص نباشد و چندین بار در طول سال اجرا شود و همچنین ۱۶/۶ درصد نیز گفته‌اند که جمعیت تحت پوشش طرح بیشتر شود. ۵۵/۹ درصد از داوطلبان اجرای پروژه‌های داوطلبی را کاری خوب و تنها ۳/۴ درصد نیز معتقدند اجرای پروژه‌ها نباید به مناطق دورافتاده منحصر شود و ۷/۸ درصد نیز مشارکت بیشتر داوطلبان و ۱۲/۸ درصد نیز مشارکت بیشتر جمعیت در اجرای پروژه‌ها و ۱۲/۵ درصد نیز استمرار در اجرای پروژه‌ها را انتخاب نموده‌اند. طبق اطلاعات بدست آمده ۴۹/۷ درصد اجرای طرح فرشتگان رحمت را خوب و تنها ۷/۸ درصد گفته‌اند که طرح نباید اجرا شود. همچنین نتایج نشان داد:

* بین جنسیت و شغل و عضویت در جمعیت هلال احمر رابطه معناداری مشاهده شد ($p=0/05$ < خی دو = 0/000)

* بین جنسیت و دلیل عضویت داوطلبان در جمعیت رابطه معناداری مشاهده نشد ($p=0/05$ > خی دو = 0/۶۵)

* بین نوع عضویت (عضو/ داوطلب) و میزان آشنایی با فعالیت‌های جمعیت رابطه معناداری مشاهده شد ($p=0/05$ < خی دو = 0/۰۰۷)

* بین جنسیت و نحوه عضویت در جمعیت هلال احمر رابطه معناداری مشاهده نشد ($p=0/05$ < خی دو = 0/۶۱)

بوده‌اند و بیشتر داوطلبان (۱۳۶ نفر برابر با ۴۲/۵ درصد) فقط یک آشنایی در حد متوسط از فعالیت‌های جمعیت داشته‌اند که این نیازمند فعالیت و برنامه‌ریزی جدی‌تر مسئولین امور داوطلبان در شعب و استان و نیز سایر مسئولین رده بالای استانی و کشوری می‌باشد تا بحث تشریح برنامه‌ها و فعالیت‌های واحد داوطلبان را جدی دنبال کنند و میزان آشنایی داوطلبان را در خصوص فعالیت‌های این حوزه بسیار بالا ببرند. به نظر می‌رسد یکی از دلایل قطع همکاری داوطلبان با جمعیت هلال‌احمر همین عدم آگاهی و شناخت آنان از برنامه‌های جمعیت باشد.

همانگونه که مشاهده شد در پاسخ به سئوال ۳ و ۴ پرسشنامه باز هم ضعف حوزه داوطلبان در اطلاع‌رسانی در خصوص برنامه مشخص می‌شود چرا که ۲۰/۶ درصد آزمودنی‌ها گفته‌اند که آشنایی کامل با برنامه‌های جمعیت ندارند و در بقیه موارد نیز داوطلبان تأثیر هر یک از برنامه‌های اجرایی را در آشنانمودن داوطلبان با فعالیت‌ها در حد متوسط دانسته‌اند یعنی مجلات و بروشورها و همایش‌ها نیز در حد بسیار کمی پاسخ‌گوی نیاز داوطلبان بوده و تنها در بحث مراجعه حضوری داوطلبان به جمعیت تا حدی مسئولین امور داوطلبان توانسته‌اند در تشریح برنامه‌ها و فعالیت‌ها موفق باشند و به نظر می‌رسد در این خصوص نیز باید ضمن بررسی‌های لازم و تغییر در روند اجرای برنامه‌ها ضمن تعامل بیشتر و بهتر با داوطلبان و تغییرات جدی در برنامه‌های همایش‌ها، تهیه و تکثیر بروشورها و... بتوان اطلاعات واحد داوطلبان و جمعیت هلال‌احمر را به شکل بهتر و کامل‌تری برای داوطلبان ارائه نمود. هرچه میزان شناخت مردم و اعضاء از فعالیت‌ها بیشتر شود ماندگاری آنان و تمایل به ادامه همکاری نیز بیشتر می‌شود.

با توجه به اینکه بیشترین درصد از آزمودنی‌ها، ناکافی بودن اطلاع‌رسانی و تبلیغات را به عنوان ضعف عمده حوزه داوطلبان انتخاب نموده‌اند، به نظر می‌رسد سایر عوامل مثل مقطعی بودن یا عدم حضور مسئولین از اهمیت کمتری برخوردار می‌باشد و باز هم چیز به اطلاع‌رسانی و تبلیغات ناکافی حوزه داوطلبان (مورد نظر در سئوال ۳ و ۴) اشاره دارد و جمعیت باید در سال ۹۰ که سال بین‌المللی داوطلبان نیز نامگذاری شده عزم خود را جزم نموده و به طور جدی در جهت رفع این عیب تلاش نماید تا با ارائه برنامه‌های لازم و بالا بردن میزان آگاهی و شناخت مردم از فعالیت‌ها و برنامه‌های جمعیت بتوان شاهد جذب داوطلبان بیشتری در جمعیت بود. بیشتر داوطلبان به نبود برنامه‌ریزی مناسب جهت استفاده از توانایی آنان اشاره کردند که می‌توان گفت از یک طرف جمعیت و واحد داوطلبان در مورد بهره‌گیری از توان داوطلبان ضعیف عمل نموده و نتوانسته از وجود داوطلبان در برنامه‌های اجرایی خود استفاده نماید و از طرف دیگر نیز بهره‌گیری صرف از داوطلبان در اجرای برنامه‌ها بدون اینکه هیچ‌گونه تقدیر و قدردانی از آنها شود و صرفاً در نظر گرفتن منفعت یک طرفه برای جمعیت در تعامل بین داوطلبان و جمعیت خود باعث قطع همکاری داوطلبان شده است. جمعیت باید ابتدا در خصوص بهره‌گیری از توانایی و ظرفیت تمامی داوطلبان در اجرای فعالیت‌ها و برنامه‌ها از همه رسته‌ها و همه گروه‌ها و با هر پست و شغل و توانایی برنامه‌ریزی منظم داشته باشد و سپس به نحو شایسته و مطلوب از این افراد که بدون هیچ چشم‌داشتی در برنامه‌های جمعیت شرکت می‌کنند قدردانی نموده و بحث تکریم و حفظ منزلت اجتماعی آنان به شکل جدی‌تری در دستور کار قرارگیرد.

داوطلبان از اثربخشی بالاتری برخوردار بوده و می‌تواند در جذب داوطلب مؤثر باشد. از طرف دیگر تا حدودی برگزاری همایش‌ها و توزیع بروشورهای تبلیغاتی نیز در این امر تأثیرگذار است و به نظر می‌رسد جمعیت باید با تدوین یک برنامه منظم در خصوص تهیه برنامه‌های مشترک صدا و سیما و تشریح برنامه‌ها و فعالیت‌های داوطلبان اقدام جدی را بنماید تا ضمن نگهداری داوطلبان و اعضای موجود بتواند در جذب اعضای جدید نیز قدم بردارد.

اکثریت داوطلبان ضمن تأکیدی که در برگزاری دوره‌های آموزشی دارند معتقدند که باید برای داوطلبان دوره‌های آموزشی به صورت تخصصی برگزار شود تا آنها بتوانند ضمن کسب آمادگی علمی و عملی لازم در مواقع مورد نیاز از تجارب خود در همکاری با واحد داوطلبان استفاده کنند و به نظر می‌رسد در صورتی که جمعیت به صورت جدی برگزاری دوره‌های آموزشی را دنبال کند و برای اعضا خود این دوره‌ها را برگزار نماید در نگهداری آنان بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

بیشتر داوطلبان بر این عقیده بودند که داوطلبان باید بر اساس مدرک و رشته تحصیلی که در آن تخصص و مهارت کسب نموده‌اند در زیر گروه‌های چهارگانه تقسیم‌بندی شوند. بنابراین واحد داوطلبان باید تلاش خود را در این راستا متمرکز نماید که طبق تعاریف و شرح وظایف گروه‌های چهارگانه، داوطلبان را براساس مدرک تحصیلی خود در یکی از این گروه‌ها یا حسب تمایل در چند گروه زیر سازماندهی کنند. به نظر می‌رسد یکی از دلایل احتمالی کاهش تعداد داوطلبان قرار نگرفتن آنها در گروه‌های تخصصی خود بر اساس مدرک تحصیلی باشد که باعث شده تمایلی به ادامه همکاری با جمعیت نداشته باشند.

با توجه به اینکه بیشتر داوطلبان به نوعی عدم پرداخت حق عضویت را انتخاب نموده‌اند. شاید یکی از دلایل قطع همکاری اعضای جمعیت همین عدم تمایل آنان نسبت به پرداخت حق عضویت و عدم توجه آنان در خصوص دلیل پرداخت این مبلغ باشد و به نظر می‌رسد که جمعیت باید در سطح استانی و کشوری برنامه‌ریزی جدیدی برای دریافت حق عضویت داشته باشد و از روش‌های جدیدتر و عامه‌پسندتر مثلاً همان حساب همیاران جهت دریافت حق عضویت استفاده کند و از طریق انعقاد تفاهم‌نامه‌های همکاری با بانک‌های عامل در سطح کشوری و استانی بتوان به نحو بهتری هم این مبالغ را از مردم دریافت نمود و هم بتوان نیازمندان بیشتری را تحت پوشش قرار داد.

بیشتر داوطلبان برگزاری فراخوان‌های عمومی یا حضور مسئولین امور داوطلبان در ادارات و نهادهای دولتی را به عنوان بهترین شکل جذب اعضای جدید انتخاب نموده‌اند و به نظر آنان عضوگیری به دو شکل فوق از بازدهی بیشتری برخوردار می‌باشد. جمعیت باید علاوه بر انجام فراخوان‌های عمومی بیشتر در طول سال به منظور جذب داوطلبان، تفاهم‌نامه‌های همکاری بیشتری با سازمان‌ها و نهادهای دولتی مختلف منعقد نماید به طوری که تمامی پرسنل شاغل در ادارات و نهادهای دولتی عضو جمعیت هلال احمر شوند و علاوه بر آن در فراخوان‌های عمومی و همگانی نیز که می‌تواند از طریق جراید، رسانه‌ها و آگهی‌ها و... باشد تمامی افراد علاقمند را به عضویت جمعیت هلال احمر درآورد. در ضمن، به منظور بهره‌گیری از توان افرادی که در کارهای عام المنفعه و خیریه شرکت دارند می‌توان به صورت حضوری و چهره به چهره آنها را به عضویت جمعیت هلال احمر درآورد.

داوطلبان معتقدند که تهیه برنامه مشترک با صدا و سیما جهت تشریح فعالیت‌ها و برنامه‌های واحد

مشکل اصلی گروه‌های چهارگانه به اعتقاد داوطلبان در درجه اول آشنانیدن سرگروه‌ها با دستورات عمل‌های مربوط، در درجه دوم نداشتن ارتباط مستمر سرگروه‌ها با اعضا و جمعیت و در درجه سوم نیز فعال نبودن خانه داوطلب را انتخاب نموده‌اند. به نظر می‌رسد در این خصوص باید جمعیت برنامه‌ریزی لازم جهت فعال‌نمودن جدی خانه داوطلب، برگزاری جلسات هم‌اندیشی و بحث و تبادل نظر بین اعضا و سرگروه‌ها و همچنین در اختیار گذاشتن آیین‌نامه‌ها و دستورات عمل‌های واحد داوطلبان به سرگروه‌ها را در دستور کار خود قرار دهد تا با تعامل بیشتر که بین تمامی اعضا بوجود می‌آید و هم‌اندیشی و همفکری بین اعضا بتواند نه تنها از ریزش داوطلبان جلوگیری کرد بلکه اعضا و داوطلبان جدید نیز جذب جمعیت نمود.

بیشتر داوطلبان شرکت‌کردن در امر اهدای خون را به عنوان کاری پسندیده تلقی کرده و تشویق داوطلبان جهت شرکت بیشتر در برنامه اهدای خون و تبدیل وضعیت آنان از داوطلب عادی به فعال را نیز خوب دانسته‌اند به نظر می‌رسد جمعیت باید بر روی این برنامه که هم‌کاری عام‌المنفعه و نجات‌بخش می‌باشد و هم باعث ماندگاری بیشتر داوطلبان می‌شود تأکید بیشتری داشته باشد و در برنامه‌ها و فعالیت‌های مختلف از داوطلبان جهت اهدای خون دعوت به عمل آورده و در پرونده داوطلبی آنان منظور نماید.

داوطلبان تمایل دارند که در فعالیت‌های عمومی و امدادی و عام‌المنفعه حسب ضرورت و به صورت داوطلبانه مشارکت داشته باشند و به هم‌نوعان خود خدمات‌رسانی کنند و در صورتی که از آنها خواسته شود با جمعیت همکاری می‌نمایند. پس حضور داشتن داوطلبان در این برنامه‌ها نمی‌تواند دلیلی بر قطع همکاری آنان با جمعیت باشد و به نظر می‌رسد جمعیت باید در خصوص بهره‌گیری از توان علمی و

عملی داوطلبان در پوشش‌دادن حوادث طبیعی و انسان‌ساز برنامه‌ریزی لازم را داشته باشد.

اکثریت داوطلبان با نصب صندوق‌های جمع‌آوری کمک‌های مردمی در سطح شهر و جمع‌آوری اعانات جهت کمک‌رسانی به نیازمندان موافق بوده‌اند و درصد بسیار کمی از آنان با این کار مخالفت خود را اعلام کرده‌اند. به نظر می‌رسد که جمع‌آوری اعانات و کمک‌های مردمی به شکل فوق و یا تحویل صندوق‌ها به افراد خیر و توانمند مورد تأیید داوطلبان می‌باشد و در خصوص این کار نظر مثبتی دارند پس نمی‌تواند از دلایل قطع همکاری آنان با جمعیت تلقی شود و جمعیت باید در خصوص مکان‌یابی دقیق و بهتر برای نصب تعداد بیشتری صندوق در سطح شهر و یا تهیه صندوق‌های کوچکتر جهت تحویل‌دادن به اعضا و داوطلبان و خیرین شهر با همکاری داوطلبان و اعضا خود اقدام نموده و برنامه‌ریزی دقیقی در این خصوص داشته باشد.

اکثریت داوطلبان اعتقاد دارند که پایگاه‌های داوطلبی مساجد می‌توانند در جذب اعضای جدید و ایجاد حلقه ارتباط بین جمعیت و توانمندان از یک طرف و نیازمندان و محرومان از طرف دیگر مؤثر واقع شود. از این رو، جمعیت باید در خصوص شناساندن بیشتر این پایگاه‌ها (با عنایت به اینکه ۱۹/۱ درصد از داوطلبان نیز گفته‌اند اطلاعی از این پایگاه‌ها ندارند) و تجهیز و راه‌اندازی جدی‌تر آنان، اقدامات لازم را انجام داده و با برپایی و جلسات مشترک بین رؤسای پایگاه‌ها و تیم‌های موجود در پایگاه‌های مختلف این امر را بطور جدی دنبال کند. همچنین در هر پایگاه نیز جلسات همفکری و هم‌اندیشی بین مسئولان پایگاه و مردم مراجعه‌کننده به آن مسجد در خصوص تبلیغ و ترویج فعالیت‌های داوطلبانه و عام‌المنفعه و جذب اعضای جدید برگزار شود.

اکثریت قاطع داوطلبان حضور یافتن در محل حادثه را علامت زده‌اند که این نشان‌دهنده روحیه بسیار بالای آنان در کمک به هم‌نوع خود در شرایط سخت می‌باشد. در سؤال ۱۵ نیز داوطلبان علاقمندی خود را به فعالیت‌های امدادی نشان داده‌اند که به نظر می‌رسد باید در خصوص بهره‌گیری از توان داوطلبان در تمام فعالیت‌های امدادی و حضور آنان در محل حوادث برنامه‌ریزی شود و از توانایی آنان استفاده شود شاید یکی از دلایل قطع همکاری داوطلبان دعوت نکردن آنان در اجرای فعالیت‌های عام‌المنفعه و امدادی باشد چرا که آنان به عنوان عضو هلال احمر به نوعی خود را با فعالیت‌های امدادی جمعیت همراه می‌بینند و در صورتی که از آنان در این برنامه‌ها استفاده نشود به نوعی سرخورده شده و شاید باعث کناره‌گیری آنان از برنامه‌های جمعیت شود.

با عنایت به نظر مساعد داوطلبان و موافقت حداکثری آنان با اجرای طرح‌های همای رحمت و فرشتگان رحمت و پروژه‌های داوطلبی به نظر می‌رسد که جمعیت می‌تواند برنامه‌ریزی بیشتری داشته باشد تا با بهره‌گیری از توانایی همین داوطلبان علاقمند بتواند علاوه بر اینکه طرح‌ها را در قسمت بیشتری از جامعه نیازمند اجرا می‌نماید در صورت تهیه امکانات و اقدام لازم تحت عناوین دیگر و چند بار در طول سال طرح را اجرا نماید و به نظر می‌رسد با توجه به تعداد بسیار کم افرادی که با طرح فوق مخالف هستند به نظر نمی‌رسد از دلایل قطع همکاری داوطلبان با جمعیت اجرای طرح همای رحمت باشد و می‌توان روی این برنامه مانور بیشتری داد و بیشتر برنامه‌ریزی کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

بین جنسیت افراد و نوع شغل آنان و پذیرش عضویت داوطلبانه در جمعیت هلال احمر رابطه معناداری مشاهده شد. بر همین اساس بیشترین

تعداد داوطلبان مربوط به کارمندان (۱۱۷ نفر زن و ۱۲۱ نفر مرد) و کمترین تعداد مربوط به دانشجویان (۸ نفر فقط زن) بوده است. مشاغل آزاد (۷ نفر زن و ۵۲ نفر مرد) بوده است. به نظر می‌رسد با توجه به بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های سازمان داوطلبان، افراد بالای ۲۹ سال می‌توانند به عضویت واحد داوطلبان درآیند و از طرف دیگر مراجعاتی که مسئولین واحد داوطلبان به ادارات مختلف داشته‌اند و نیز براساس تفاهم‌نامه‌های همکاری مشترک، دلیل عضویت بیشترین کارمندان در این واحد قابل توجیه باشد. همچنین به همین دلیل دانشجویان پسر نتوانسته‌اند در واحد داوطلبان عضو شوند ولی به نوعی با توجه به بلوغ زودرس دختران و ازدواج زودتر آنان نسبت به پسران شاید در این مقطع دختران نتوانسته‌اند به عضویت واحد داوطلبان درآیند. در مورد مشاغل آزاد، به این دلیل که خانم‌ها نسبت به آقایان کمتر در مشاغل آزاد اشتغال دارند عضویت بیشتر مردان با مشاغل آزاد در این قسمت نیز قابل توجیه است. در کل به نظر می‌رسد که واحد داوطلبان در بحث عضوگیری در قسمت کارمندان نسبت به سایر قسمت‌ها از موفقیت بیشتری برخوردار بوده است که لازم است ضمن برنامه‌ریزی ضروری و منظم در خصوص جذب بیشتر این گروه از افراد با تمهیدات لازم در بقیه قسمت‌های جامعه نیز داوطلبان جدید و توانمند به عضویت جمعیت درآیند.

بین جنسیت و نحوه عضویت داوطلبان در جمعیت هلال احمر رابطه معناداری مشاهده نشد. جنسیت داوطلبان هیچ تأثیری در نوع عضویت آنان در جمعیت نداشته است. به نظر می‌رسد دلیل احتمالی آن است که در چگونگی جذب اعضای جدید (مراجعه حضوری، فراخوان عمومی، فرم‌های ارسالی، دعوت حضوری) در جمعیت هیچ تفاوتی بین افراد صورت نگرفته است. در صورت ارسال

فرم برای یک اداره، برای تمام کارمندان زن و مرد این کار را باید انجام داد. همچنین در خصوص سایر موارد مثل فراخوان‌های عمومی و دعوت‌های حضوری نیز هر فردی اعم از زن و مرد که تمایل به عضویت دارد را باید با یک دیدگاه نگرست و به عضویت دعوت نمود.

رابطه معناداری بین جنسیت و دلیل عضویت در داوطلبان در جمعیت مشاهده نشد یعنی اینکه بین زن و مرد بودن و دلیل عضو شدن در جمعیت هلال‌احمر تفاوت معناداری وجود ندارد. همانگونه که مشاهده شد بیشتر داوطلبان اعم از زن و مرد دلیل پذیرش عضویت داوطلبانه در جمعیت را علاقمندی خود عنوان کرده‌اند و تعداد بسیار کمی از آنان بودند که صرفاً برای دریافت کارت عضویت یا از روی اجبار و یا تبلیغات به عضویت جمعیت درآمده‌اند. به نظر می‌رسد که جمعیت هلال‌احمر به نوعی به عنوان یک سازمان خدمت‌رسان و عام‌المنفعه مورد قبول و پذیرش همگان است و افراد بر اساس میل و رغبت حاضر به همکاری با این سازمان می‌باشند و جنسیت در این امر تأثیری ندارد. رابطه معناداری بین نوع عضویت (داوطلب یا عضو بودن) و میزان آشنایی با فعالیت‌های جمعیت هلال‌احمر مشاهده شد. بر همین اساس در قیاس با اعضاء، داوطلبان از آشنایی بیشتری نسبت به فعالیت‌های سازمان برخوردار بودند به گونه‌ای که ۲۸/۸ درصد از داوطلبان آشنایی زیاد و ۵/۱ درصد آنان نیز آشنایی خیلی زیاد با فعالیت‌های جمعیت داشتند. در حالی که ۷/۱ درصد اعضاء آشنایی زیاد و ۷۱/۴ درصد اعضاء نیز آشنایی در حد متوسط با فعالیت‌های جمعیت داشتند. به نظر می‌رسد دلیل اصلی این تفاوت بین میزان شناخت اعضاء و داوطلبان این باشد که داوطلبان در رسته‌های چهارگانه سازماندهی شده و با برنامه‌ها و فعالیت‌های جمعیت در تعامل هستند و در بسیاری

از برنامه‌های جمعیت مشارکت دارند و این باعث می‌شود که آشنایی بیشتری نسبت به فعالیت‌های سازمان کسب نمایند ولی اعضاء صرفاً حق عضویت پرداخت نموده و تعامل کمتری با فعالیت‌های جمعیت دارند و کمتر با جمعیت در ارتباط هستند و به همین دلیل از آشنایی کمتری نسبت به داوطلبان برخوردارند با توجه به آشنایی کمتر اعضاء با فعالیت‌های سازمان باید جمعیت برنامه‌ریزی لازم و مناسبی در خصوص تشریح بهتر و بیشتر فعالیت‌های سازمان برای اعضاء داشته باشد و به شکلی مناسب مثل برگزاری همایش و سمینار توزیع بروشور و کتابچه و یا گردهمایی اعضاء و سایر موارد فعالیت‌ها و برنامه‌های مختلف واحد داوطلبان و جمعیت را برای اعضاء تشریح نماید. رابطه معناداری بین رسته‌های عضویت و میزان آشنایی داوطلبان با فعالیت‌های سازمان مشاهده شد.

با توجه به اینکه داوطلبان رسته مشارکت بیشتر از تمام رسته‌ها در فعالیت‌ها و برنامه‌های جمعیت همکاری می‌کنند به نوعی بیشتر در جریان فعالیت‌ها قرار می‌گیرند و تعامل بیشتری نیز با پرسنل جمعیت دارند ولی سایر رسته‌ها به دلیل اینکه کمتر در جریان برنامه‌ها همکاری دارند بالطبع از شناخت کمتری نسبت به فعالیت‌های جمعیت برخوردار هستند. با برنامه‌ریزی مناسب توسط واحد داوطلبان و نیز برگزاری جلسات توجیهی برای سرگروه‌های رسته‌های چهارگانه بخصوص رسته‌های مهارت، حمایت و هدایت و همچنین فعال‌نمودن هر چه بیشتر جلسات خانه داوطلب می‌توان به شکل مطلوب‌تر و بهتری فعالیت‌های سازمان را برای سایر گروه‌ها نیز تشریح نمود و میزان شناخت آنان از برنامه‌ها را بالاتر برد.

References

1. Arianpour, A, (2006), *Culture pressed English - Farsi*, Vol 9
2. Bonnie Rad, Nader, (2003), *Effect of short courses staff function power industry from the perspective of managers*, West Azerbaijan, research project
3. Seif M. Naraghi, Nader Ezzatollah, (2001), *Methods of Educational Psychology*, Science, Tehran: Badr
4. Translucency, Ahmad, (2005), *popular participation in urban development and crisis management*. MS Thesis, Tehran
5. Toloee, Fereshteh, (2003). *appropriate ways of participation of people with non-governmental organizations*, MS Thesis, University of Social Welfare and Rehabilitation
6. Amid, Hossein, (1996), *Persian Dictionary*, Amir Kabir Publications, Tehran
7. Majidi, Jahangir, (2000), *Evaluation of voluntary service in hospitals*, Eshraghi Mahasti, MS Thesis, Tehran
8. Houman, Heidar Ali, (2001), *Understanding the scientific method*, 4th edition, Tehran: Parsa



Studying the causes of volunteers' reduction and suggesting appropriate strategies in order to retain members in Red Crescent society of Charmahal & Bakhtiari

Corresponding author: Farzad Shahrani, MA of psychology, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran

E-mail: shahrani@yahoo.com

Mohammad Foroughi, MA of Educational Management, education center for Public Administration, Iran

Seyed Ahmad Mortazavi, MA student of Law, Azad University of Miveh, Isfahan, Iran

Gholamreza Asadian, BA of Social Sciences, University of Isfahan, Iran

Received: 2011-05-11

Accepted: 2012-06-25

Abstract

Background: This study aims to investigate the causes of failure to cooperate with Red Crescent society volunteers in Charmahal & Bakhtiari and to suggest appropriate strategies in order to retain and keep members and volunteers.

Methods: In this cross-sectional study, 350 volunteers were selected and studied in Red Crescent society of Charmahal & Bakhtiari province by accidental sampling in 2010-2011. Data was collected and analyzed by using a self administrated questionnaire (21 questions), inferential and descriptive statistics (chi-square).

Results: Descriptive statistics were as follows: volunteers in participation and support categories had the highest and lowest knowledge about the activities of Red Crescent society respectively; most members joined and attended voluntary to the Society; most volunteers and members believed that attracting new volunteers and inadequate information and advertisement were the main weakness of volunteers' unit; also they mentioned that the main reason of volunteering reduction were lack of proper plan and appropriate organizing in one hand and executing the one-way programs benefit to society and no benefit to volunteers in other hand. Volunteers agreed to pay membership fees as Hamyaran account in Red Crescent society. They highly agreed to attract new members through public calls and the presence of Red Crescent society officials in governmental organizations and departments. In order to familiarize people with Society activities, most volunteers selected production and editing programs common with Islamic Republic of Iran broadcasting. Volunteers mostly accepted the four-groups classifications should be according to their qualifications and tended to hold specialized courses. In their viewpoint, the heads unfamiliarity with related guidelines was the weakness of all four groups. Also, volunteers confirmed items such as participating in blood donation, collecting public donations, and establishing volunteers' bases. Volunteers believed they should be present at the scene of disasters in order to give relief along with Red Crescent Society in unexpected disasters. In volunteers' viewpoints, both plans of Homaye Rahmat and Fereshtegane Rahmat (Angels of Mercy) were very good.

According to the inferential statistics results: there was a significant relationship between occupation, gender and membership ($\chi^2 < p = /05$); there was a significant relationship between membership (member/volunteer) and familiarity with Red Crescent society activities ($\chi^2 > p = /05$); there was a significant relationship between membership category and familiarity with Red Crescent society activities ($\chi^2 < p = /05$); also, there was no a significant relationship between gender and reason of volunteering ($\chi^2 < p = /05$); and there was no significant relationship between gender and type of membership ($\chi^2 < p = /05$).

Conclusion: The main weakness of volunteers' unit in attracting and retaining old and new members and volunteers are summarized in the following cases such as: inadequate information and advertisement; lack of proper plan and appropriate organizing in order to utilize volunteers' capability; executing one-way programs benefit to Society and no benefit to volunteers; head little familiarity with volunteers' guidelines and tasks in four categories; paying membership fees without justification; incorrect classification of volunteers in four categories; and lack of specialized training courses for volunteers.

Keywords: volunteer, member, reduction